

۴۲ میلیارد دلار، هنگ کنگ ۳۵ میلیارد دلار، کانادا ۳۳ میلیارد دلار، آلمان ۳۲ میلیارد دلار. نقش سرمایه‌گذاری خارجی در توسعه از دیدگاه نو لیبرالیستی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای توسعه اقتصادی جهان سوم ضرورت دارد، زیرا سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در میان سایر منافع مدیریت کارآمد منابع، جذب فناوری، فرهنگ رقابت‌گری و دسترسی به بازارهای جهانی را میسر می‌سازد. بخش خصوصی موتور رشد اقتصادی است، از این رو کشورهای جنوب باید اقتصاد خود را مقررات زدایی و هرچه زودتر اموال دولتی را خصوصی کنند. بیش از ۹۰ درصد ادبیات اقتصادی و سیاست‌های کشورهای جهان سوم را این دیدگاه به خود اختصاص می‌دهد.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به خودی خود نه خوب است و نه بد، بلکه در کل بستگی به این دارد که ما چگونه از آن استفاده می‌کنیم. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند رشد ایجاد کند، سبب اشتغال مولد گردد، تکنولوژی بیاورد، دسترسی به بازار و توسعه اقتصادی را موجب شود و مهارت‌ها را از کشوری به کشور دیگر انتقال دهد. این پدیده جنبه‌های منفی هم دارد، ولی باید منافع و مضار آن را در کنار یکدیگر قرار داد و توازن بین آنها ایجاد کرد. این دیدگاه پس از بحران اقتصادی جنوب شرق آسیا در سال ۱۹۹۷ و آرزاتین در سال ۲۰۰۱ از وزن بیشتری برخوردار شده است.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در میان تعداد زیادی از ابزارها، یک ابزار اقتصادی در دست کشورهای صنعتی توسعه‌یافته است تا جریان‌های سرمایه‌گذاری در جهان سوم را تحت کنترل و نظارت دائم خود در آورند. این کنترل از این جهت برای شرکت‌های غربی ضرورت دارد که بتوانند با فشارهایی که از سوی کارگران به طرز مستمر برای سهم شدن در منافع شرکت‌ها وارد می‌آید مقابله

کنند. در حقیقت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ابزاری است که تناقضات سیستمی غرب را حل می‌کند، نه اینکه تنها به توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه کمک کند. با این وجود ادبیات توسعه‌ای جوامع غربی و موسساتی مانند صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، انکتاد (کمیسیون تجارت و توسعه سازمان ملل متحد)

گردشگری، ارتباطات و حمل و نقل بیشترین میزان سرمایه را جذب کردند. در میان کشورهای خاورمیانه، امارات عربی متحده رتبه نخست جذب سرمایه‌گذاری خارجی را داشت. این کشور در سال ۲۰۰۵ حدود ۱۲ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری را جذب کرد. پس از امارات، کشورهای ترکیه و عربستان سعودی به ترتیب با ۹ و ۶ میلیارد دلار، رتبه‌های دوم و سوم را کسب کردند. رقم جذب سرمایه‌های خارجی دیگر کشورهای منطقه، خاورمیانه در سال ۲۰۰۵ به این شرح است: لبنان ۲/۵ میلیارد دلار، اردن ۷۵ میلیارد دلار، قطر ۱/۴ میلیارد دلار، بحرین یک میلیارد دلار، عمان ۷۱۵ میلیون دلار، سوریه ۵۰۰ میلیون دلار، عراق، ۳۰۰ میلیون دلار، یمن ۲۶۶ میلیون دلار و کویت ۲۵۰ میلیون دلار.

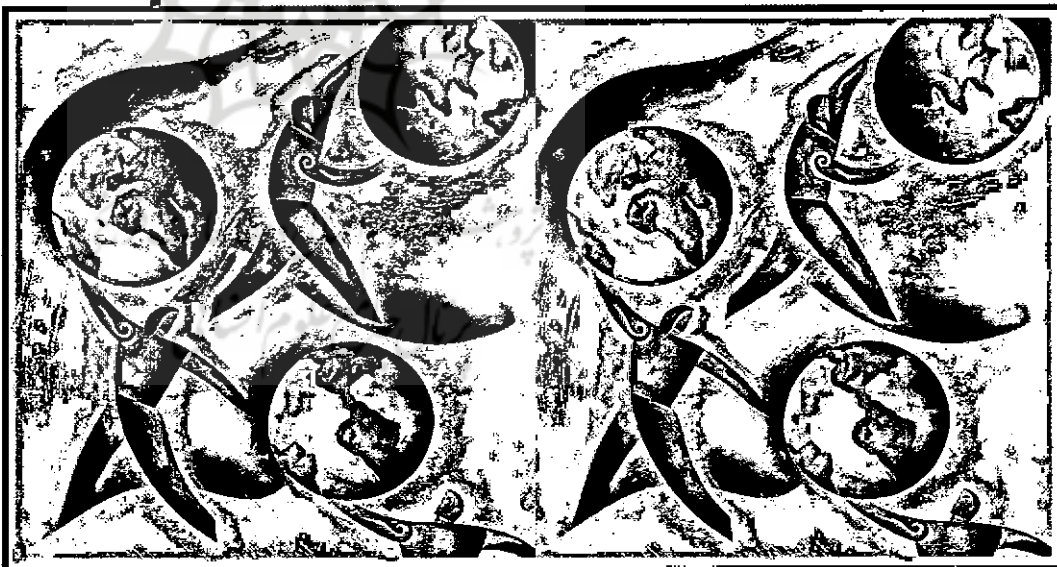
در سطح جهان، رتبه نخست جذب سرمایه‌گذاری خارجی به انگلستان تعلق دارد. این کشور در سال ۲۰۰۵ توانست حدود ۱۶۴ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری جذب کند. آمریکا با ۹۹ میلیارد دلار در جایگاه دوم ایستاد و اقتصاد در حال رشد چین نیز با ۷۲ میلیارد دلار مقام سوم جذب سرمایه‌های خارجی را از آن خود کرد. رتبه‌های بعدی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در سطح جهان به این ترتیب هستند: فرانسه ۶۳ میلیارد دلار، هلند

روند جهانی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در چند سال گذشته، جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در سطح جهان روندی رو به رشد داشته است. در سال ۲۰۰۵، رقم سرمایه‌گذاری خارجی در سطح جهان به ۹۱۶ میلیارد دلار رسید که بخش اعظم آن نصیب کشورهای در حال رشد آسیا گردید. در سال ۲۰۰۶، چین جذاب‌ترین مقصد برای سرمایه‌گذاری خارجی جهان بود. در این سال رقم سرمایه‌گذاری خارجی در چین به ۸۷ میلیارد دلار رسید.

یکی دیگر از کشورهای پیشرو در زمینه جذب سرمایه‌های خارجی، پاکستان است. این کشور در فاصله ماه‌های ژوئیه تا سپتامبر سال ۲۰۰۶ حدود ۷۱۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی جذب کرد که نسبت به مدت مشابه سال ۲۰۰۵ حدود ۱۳۷ درصد رشد نشان می‌دهد.

طی سال ۲۰۰۵ کشورهای عربی مجموعاً حدود ۲۸ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی جذب کردند. این رقم در سال ۲۰۰۴ حدود ۱۲/۵ میلیارد دلار بود. افزایش بهای نفت خام یکی از دلایل اصلی رشد میزان سرمایه‌گذاری‌های خارجی بوده است.

در کشورهای عربی، بخش‌های نفت و گاز،



بررسی نقش سرمایه‌گذاری خارجی در توسعه

نه الزاما خوب، نه لزوما بد

و سازمان تجارت جهانی به شدت در باره سرمايه گذاري مستقيم خارجي بازاریابی و تبلیغ می کنند.

آيا سرمايه گذاري مستقيم خارجي موجب توسعه می شود؟

بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و تعداد زیادی از اقتصاد دانان، کشورهای مکزیک، تایلند، اندونزی، فیلیپین، مالزی و آرژانتین را به عنوان الگوهای بیان می کنند که درهای اقتصاد خود را بر روی سرمايه گذاري مستقيم خارجي گشوده اند با این فرض که این کار موجب توسعه اقتصادی آن ها می شود. اما تجربیات آنها چه بوده است؟

در سال ۱۹۵۵ مکزیک مواجه با بحران پرداخت ها بود و خروج پول از بانک ها وجود داشت. اقتصاد این کشور در حال افول بود و طبقه متوسط از این بحران در رنج بود. بانک های آمریکایی، که در اضطراب بودند، با مداخله وزارت خزانة داری آمریکا نجات یافتند. این وضع تا چند ماه در منطقه ادامه یافت. از سال ۱۹۹۵ مکزیک، رژیم تجارت و سرمايه گذاري خود را هر چه بیشتر آزاد سازی کرد و بعد با پدیده بیکاری و صنعتی شدن معکوس مواجه شد.

در پی آن بحران آسیای شرقی از راه رسید. در دهه ۱۹۹۰ حکومت تایلند بر اثر فشار صندوق بین المللی پول ورود سرمايه را به کشور تا حدی آزاد کرد. بیشتر پول ها از طریق سیستم بانکی بر اساس دیداری و کوتاه مدت (از ۲۴ ساعت تا ۶ ماه) وارد تایلند شده، به صورت وام بلندمدت در اختیار بخش خصوصی قرار گرفته بودند. در این میان بهای اموالی که به عنوان ضمانت از سوی بخش خصوصی به بانک ها معرفی شده بودند محل پرسش بود، زیرا این املاک بر اساس قیمت های متورم املاک در بازار ارزیابی شده بودند، در مقابل ارز های خارجی، از ثبات قیمت کمتری برخوردار بودند. بنابراین فشار بورس بازی شدیدی بر ثبات واحد پول تایلند وارد آمد، سرمايه گذاران خارجی وحشت زده شدند و شروع به خارج کردن پول های خود از تایلند کردند. در نتیجه بانک های تایلند نیز اقدام به باز پس گرفتن وام ها کردند، در حالی که بخش خصوصی قدرت باز پرداخت آن ها را نداشت. در نتیجه بخش خصوصی با پدیده عدم انجام تعهدات خود به بانک ها مواجه و تقویت بات و دخالت بانک مرکزی را خواستار شد. بانک مرکزی هم در راه حمایت از بخش خصوصی ذخائر خود را بیشتر از دست داد. در ادامه، بسیاری از بانک ها ورشکست و یا در یکدیگر ادغام شدند. دولت، باز پرداخت بدهی ها و قروض را بر عهده گرفت. به سخن دیگر قروض بخش خصوصی را دولت عهده دار شد. به زودی بحران تایلند

به اندونزی، مالزی، کره جنوبی و فیلیپین هم سرایت کرد.

به نظر اقتصاد دانان ب این بحران در منطقه ثروت رادر سطح وسیعی نابود کرد و فقر مطلق را باعث شد. در سیستم بانکی قروض بخش خصوصی به تنهایی معادل نصف تولید ناخالص ملی یک سال تایلند بود که از میان رفت؛ یعنی چیزی شبیه مخارج یک جنگ تمام عیار (اکنون میست ۸ فوریه ۲۰۰۳).

"دیوید وودارد (David Woodard)" مشاور فنی سابق مدیر اجرایی انگلیس در صندوق بین المللی پول و بانک جهانی بحران های مکزیک و آسیای شرقی را عمیقا مطالعه کرد و این نتیجه کلی را به دست داد که سرمايه گذاري مستقيم خارجي زمینه وقوع شتابان یک بحران را فراهم می کند.

بحران های مالی، مانند بحران مکزیک در سال ۱۹۹۴ و آسیای شرقی در سال ۱۹۹۷، همچون بحران بدهی ها در دهه ۱۹۸۰ تنها به این دلیل رخ دادند که جریان های اقتصادی برای پوشش دادن کسری های حساب های جاری کفایت نمی کردند. وقتی این اتفاق حادث شد، ورود سرمايه های خارجی به شدت کاهش یافت و این امر مشکل را بیشتر کرد. با وجودی که کسری های حساب های جاری عامل اصلی در این پدیده بوده است، تراکم بدهی های خارجی نیز به کسری ها افزود و به نوبه خود وابستگی به ارز های خارجی برای تامین مالی کسری ها را حادث کرد.

به نظر وودوارد واقیعت این است که سرمايه گذاري مستقيم خارجي مانند اعتیاد به مواد مخدر است و وابستگی ایجاد می کند. هر اندازه کشورهای در حال توسعه بتوانند سرمايه خارجی را بیشتر جذب نمایند به همان اندازه برای بازپرداخت اصل و فرع این سرمايه ها نیاز مند تر خواهند بود، مگر اینکه مانند کشورهای خاصی پشتوانه این سرمايه گذاری ها منابع معدنی صادراتی یا درآمدهای گردشگری و خدماتی باشد. برای ساده کردن قضیه می توانیم این طور بگوئیم که جریان سرمايه گذاری خارجی مانند قرض گرفتن با نرخ ۱۶ تا ۱۸ درصد بهره در سال برای کشورهای در حال توسعه و برای کشورهای نیمه صحرایی آفریقایی مثل این است که با نرخ ۲۴ تا ۳۰ درصد وام گرفته باشند.

وودوارد با استفاده از تجربه مالزی حساب کرده است هنگامی که ذخائر سرمايه گذاری های مستقيم خارجي در یک کشور در حال توسعه به مقدار ۴۸ درصد تولید ناخالص داخلی برسد، که هم اکنون در بیشتر کشورهای آفریقایی چنین است، بحران فرارسیده است. در اصل،

نقطه خطر برای سایر کشورهای در حال توسعه ممکن است بسیار کمتر از این جد باشد. در زمان مطالعه وودوارد هنوز بحران آرژانتین اتفاق نیفتاده بود تا نظریه او را قوی تر اثبات کند.

صندوق بین المللی پول و بانک جهانی آرژانتین را سال ها مدلی برای کشورهای دیگر معرفی کرده بودند که اقتصاد خود را برای ورود و خروج سرمايه کاملا آزاد کرده، پول ملی خود را به دلار آمریکا پیوند داده و در عمل همه مؤسسات دولتی را از بانک ها و فروشگاه های بزرگ خصوصی کرده بود تا سرمايه مستقيم خارجي را جذب نماید، ولی این الگو در دسامبر ۲۰۰۱ مانند یک ساختمان مقوایی فرو ریخت. پس از نکل ۱۵۵ میلیارد دلار بدهی خارجی، که بزرگترین رقم در تاریخ آن کشور بود، آرژانتین در وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نامناسبی قرار گرفت.

پاسخ بحران سود آوری غرب یا پاسخی به بحران توسعه ای جنوب؟

در واقع سرمايه گذاری مستقيم خارجي پاسخی به بحران سیستمی تراکم سود در نظام سرمايه داری جهانی است. در واقع نیرویی که منافع شرکت ها را در سیستم تحت فشار قرار می دهد، نیروی طبقه کارگر برای بهبود شرایط کار و سطح دستمزدها و شرایط زندگی خود است. ابزارهایی که سرمايه گذاران در وطن خود در مقابل این درخواست ها به کار می برند کاهش دستمزدها، اخراج کارگران و جایگزین کردن کارگران با ماشین است. اقدامات دیگری نیز برای مقابله با این امر به اجرا در می آیند؛ مانند منطقی کردن تولید از طریق ادغام با سایر مؤسسات و پایین آوردن قیمت کالاها تا حد ارزش واقعی آنها و خلق ابزار های جدید برای کم کردن خطر. دولت های متبوع این شرکت ها هم با کنترل اتحادیه های کارگری و یا قبولاندن یک اقتصاد جنگی به افکار عمومی و مصرف افلام جنگی تولید شده قبلی و تشویق تولیدات جنگی جدید به این روند کمک می کنند.

اما مهمترین اقدام دولت های غربی، تحمیل رکود اقتصادی خود به کشورهای جهان سوم است. این کار با مجبور کردن کشورهای جهان سوم به آزاد کردن تجارت خود عملی می شود تا بازارهای کشورهای جهان سوم را برای شرکت های خود کسب کنند. این بدان معنی است که نیروی کار داخلی بیکار می ماند و برای کارگران شرکت های خارجی اشتغال ایجاد می شود. همچنین مجبور کردن جنوب به آزاد سازی جریان سرمايه با به دست آوردن فرصت های

محدودیت‌هایی هم وجود دارد. در مکزیک، آسیای شرقی و آرژانتین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به حد نهایی خود نزدیک شده است.

کشورهای در حال توسعه چه کنند؟

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به ناحق از سوی کشورهای سرمایه‌داری غربی مورد تبلیغ و بازاریابی شدید واقع شده است. این امر راه حل مناسبی برای حل معضل بیکاری نیست. توسعه در ذات خود پدیده پیچیده‌ای است. پررنگ کردن سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و آن را راه حل نهایی کشورهای در حال توسعه قلمداد کردن بیش از حد ساده کردن موضوع است.

هیچ قرینه‌ای وجود ندارد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی لزوماً توسعه را به همراه بیاورد و نه دلیلی وجود دارد که تکنولوژی را انتقال دهد. آنچه در عمل اتفاق می‌افتد نوعی انتقال نیمه‌کاره فناوری است. تنها چیزی که اثبات شده است این است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی زمینه آسیب‌پذیری را در مقابل بحران فراهم می‌کند و مانند کمک‌ها در دهه ۱۹۷۰ وابستگی به خارج را افزایش می‌دهد. پس سؤال این است که چرا دولت‌های کشورهای در حال توسعه باز هم به دنبال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هستند. بخشی به خاطر نقص اطلاعات آن‌هاست و بخشی به دلیل تبلیغات و فشارهای موسسات مالی بر تن وودز. دلیل دیگر این است که کارشناسان کشورهای در حال توسعه، تحصیل کرده همین کشورهای سرمایه‌داری هستند و اقتصاد نولیبرال را در دانشگاه‌های آنها آموخته‌اند.

سرمایه‌های سرمایه‌داری غربی برای سرمایه‌داری در حال توسعه باز هم به دنبال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هستند. بخشی به خاطر نقص اطلاعات آن‌هاست و بخشی به دلیل تبلیغات و فشارهای موسسات مالی بر تن وودز. دلیل دیگر این است که کارشناسان کشورهای در حال توسعه، تحصیل کرده همین کشورهای سرمایه‌داری هستند و اقتصاد نولیبرال را در دانشگاه‌های آنها آموخته‌اند.

سرمایه‌های سرمایه‌داری غربی برای سرمایه‌داری در حال توسعه باز هم به دنبال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هستند. بخشی به خاطر نقص اطلاعات آن‌هاست و بخشی به دلیل تبلیغات و فشارهای موسسات مالی بر تن وودز. دلیل دیگر این است که کارشناسان کشورهای در حال توسعه، تحصیل کرده همین کشورهای سرمایه‌داری هستند و اقتصاد نولیبرال را در دانشگاه‌های آنها آموخته‌اند.

سرمایه‌های سرمایه‌داری غربی برای سرمایه‌داری در حال توسعه باز هم به دنبال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هستند. بخشی به خاطر نقص اطلاعات آن‌هاست و بخشی به دلیل تبلیغات و فشارهای موسسات مالی بر تن وودز. دلیل دیگر این است که کارشناسان کشورهای در حال توسعه، تحصیل کرده همین کشورهای سرمایه‌داری هستند و اقتصاد نولیبرال را در دانشگاه‌های آنها آموخته‌اند.

سرمایه‌های سرمایه‌داری غربی برای سرمایه‌داری در حال توسعه باز هم به دنبال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هستند. بخشی به خاطر نقص اطلاعات آن‌هاست و بخشی به دلیل تبلیغات و فشارهای موسسات مالی بر تن وودز. دلیل دیگر این است که کارشناسان کشورهای در حال توسعه، تحصیل کرده همین کشورهای سرمایه‌داری هستند و اقتصاد نولیبرال را در دانشگاه‌های آنها آموخته‌اند.

سرمایه‌های سرمایه‌داری غربی برای سرمایه‌داری در حال توسعه باز هم به دنبال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هستند. بخشی به خاطر نقص اطلاعات آن‌هاست و بخشی به دلیل تبلیغات و فشارهای موسسات مالی بر تن وودز. دلیل دیگر این است که کارشناسان کشورهای در حال توسعه، تحصیل کرده همین کشورهای سرمایه‌داری هستند و اقتصاد نولیبرال را در دانشگاه‌های آنها آموخته‌اند.

سرمایه‌های سرمایه‌داری غربی برای سرمایه‌داری در حال توسعه باز هم به دنبال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هستند. بخشی به خاطر نقص اطلاعات آن‌هاست و بخشی به دلیل تبلیغات و فشارهای موسسات مالی بر تن وودز. دلیل دیگر این است که کارشناسان کشورهای در حال توسعه، تحصیل کرده همین کشورهای سرمایه‌داری هستند و اقتصاد نولیبرال را در دانشگاه‌های آنها آموخته‌اند.

سرمایه‌های سرمایه‌داری غربی برای سرمایه‌داری در حال توسعه باز هم به دنبال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هستند. بخشی به خاطر نقص اطلاعات آن‌هاست و بخشی به دلیل تبلیغات و فشارهای موسسات مالی بر تن وودز. دلیل دیگر این است که کارشناسان کشورهای در حال توسعه، تحصیل کرده همین کشورهای سرمایه‌داری هستند و اقتصاد نولیبرال را در دانشگاه‌های آنها آموخته‌اند.

سرمایه‌های سرمایه‌داری غربی برای سرمایه‌داری در حال توسعه باز هم به دنبال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هستند. بخشی به خاطر نقص اطلاعات آن‌هاست و بخشی به دلیل تبلیغات و فشارهای موسسات مالی بر تن وودز. دلیل دیگر این است که کارشناسان کشورهای در حال توسعه، تحصیل کرده همین کشورهای سرمایه‌داری هستند و اقتصاد نولیبرال را در دانشگاه‌های آنها آموخته‌اند.

سرمایه‌های سرمایه‌داری غربی برای سرمایه‌داری در حال توسعه باز هم به دنبال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هستند. بخشی به خاطر نقص اطلاعات آن‌هاست و بخشی به دلیل تبلیغات و فشارهای موسسات مالی بر تن وودز. دلیل دیگر این است که کارشناسان کشورهای در حال توسعه، تحصیل کرده همین کشورهای سرمایه‌داری هستند و اقتصاد نولیبرال را در دانشگاه‌های آنها آموخته‌اند.

سرمایه‌های سرمایه‌داری غربی برای سرمایه‌داری در حال توسعه باز هم به دنبال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هستند. بخشی به خاطر نقص اطلاعات آن‌هاست و بخشی به دلیل تبلیغات و فشارهای موسسات مالی بر تن وودز. دلیل دیگر این است که کارشناسان کشورهای در حال توسعه، تحصیل کرده همین کشورهای سرمایه‌داری هستند و اقتصاد نولیبرال را در دانشگاه‌های آنها آموخته‌اند.

سرمایه‌های سرمایه‌داری غربی برای سرمایه‌داری در حال توسعه باز هم به دنبال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هستند. بخشی به خاطر نقص اطلاعات آن‌هاست و بخشی به دلیل تبلیغات و فشارهای موسسات مالی بر تن وودز. دلیل دیگر این است که کارشناسان کشورهای در حال توسعه، تحصیل کرده همین کشورهای سرمایه‌داری هستند و اقتصاد نولیبرال را در دانشگاه‌های آنها آموخته‌اند.

سرمایه‌گذاری در کشورهای جنوب و به ویژه دسترسی به منابع طبیعی آن‌ها.

اجبار کشورهای جنوب به خصوصی‌سازی و آزادسازی بخش‌های دولتی مانند آب، بهداشت، انرژی، آموزش و غیره و تهیه و توزیع کالا برای دولت. در این صورت شرکت‌های داخلی یا مشارکت خارجی در این امور دخیل می‌شوند و در اصل بدون لزوم انتقال فناوری بالا برای مهندسان و کارگران و مواد و تجهیزات شرکت‌های خارجی (به نسبت شراکت) بازار پیدا می‌کنند.

بخش خصوصی کشورهای سرمایه‌داری، به جای رقابتی کردن کار، از دولت‌های خود می‌خواهند که در هر زمینه دخالت و به آن‌ها کمک کنند که ادامه حیات دهند. در این میان فشار کارگران برای شرایط بهتر کاری نیز افزایش می‌یابد. بدون کمک دولت‌ها، آن‌ها قادر به ادامه حیات نیستند. دولت‌های غربی سرمایه‌داری نیز از طریق صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی سیاست‌های حمایتی خود را پیش می‌برند. شرکت‌های کشورهای سرمایه‌داری بدون دخالت دولت‌ها نمی‌توانند در بازارهای هدف رخنه و موانع را برطرف نمایند. آن‌ها در این بازارها به دنبال مواد اولیه (نفت و گاز و آهن و مس)، نیروی کار رزان و تأمین خدمات برای دولت‌ها هستند. در تمام این امور سرمایه‌گذاری نقش اصلی را ایفا می‌کند.

در کوتاه مدت آنان در حقیقت برای کسب زمان تلاش می‌کنند. برای مثال از طریق دادن یارانه به شرکت‌های کشاورزی خود (مخصوصاً در اروپا)، حمایت از محصولات فولادی خود با تعرفه‌های سنگین (به ویژه در آمریکا)، و مقابله با تأمین نیازهای خدماتی خود از سوی شرکت‌های خارجی مانند بنگاه‌های هندی و رزیلی. اما در نهایت، آن‌ها مجبور به قبول شکست در برابر صنایع کشورهای خاصی در جهان سوم هستند.

نهاراه جلوگیری حضور در این کشورها با سرمایه‌های خود می‌باشد که از منافع کارگر و مواد اولیه ارزان بهره‌مند شوند. و کنترل تولید را در دست گیرند. دخالت شرکت مستقیم در روند تولید می‌تواند از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نه تجارت میسر شود. من تنها راه حفظ و ادامه کنترل بر تولید و اقتصاد شورهای جهان سوم به شمار می‌آید.

برعکس آنچه رهبران کشورهای جهان سوم می‌انگازند، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای توسعه شورهای مزبور ابداع نشده است، بلکه به عمیق‌تر شدن بحران می‌انجامد. هرچند صدور سرمایه می‌تواند به کاهش فشار دائمی در امور اقتصادی کمک کند، ولی

سرمایه‌های سرمایه‌داری غربی برای سرمایه‌داری در حال توسعه باز هم به دنبال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هستند. بخشی به خاطر نقص اطلاعات آن‌هاست و بخشی به دلیل تبلیغات و فشارهای موسسات مالی بر تن وودز. دلیل دیگر این است که کارشناسان کشورهای در حال توسعه، تحصیل کرده همین کشورهای سرمایه‌داری هستند و اقتصاد نولیبرال را در دانشگاه‌های آنها آموخته‌اند.

سرمایه‌های سرمایه‌داری غربی برای سرمایه‌داری در حال توسعه باز هم به دنبال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هستند. بخشی به خاطر نقص اطلاعات آن‌هاست و بخشی به دلیل تبلیغات و فشارهای موسسات مالی بر تن وودز. دلیل دیگر این است که کارشناسان کشورهای در حال توسعه، تحصیل کرده همین کشورهای سرمایه‌داری هستند و اقتصاد نولیبرال را در دانشگاه‌های آنها آموخته‌اند.

سرمایه‌های سرمایه‌داری غربی برای سرمایه‌داری در حال توسعه باز هم به دنبال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هستند. بخشی به خاطر نقص اطلاعات آن‌هاست و بخشی به دلیل تبلیغات و فشارهای موسسات مالی بر تن وودز. دلیل دیگر این است که کارشناسان کشورهای در حال توسعه، تحصیل کرده همین کشورهای سرمایه‌داری هستند و اقتصاد نولیبرال را در دانشگاه‌های آنها آموخته‌اند.

سرمایه‌های سرمایه‌داری غربی برای سرمایه‌داری در حال توسعه باز هم به دنبال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هستند. بخشی به خاطر نقص اطلاعات آن‌هاست و بخشی به دلیل تبلیغات و فشارهای موسسات مالی بر تن وودز. دلیل دیگر این است که کارشناسان کشورهای در حال توسعه، تحصیل کرده همین کشورهای سرمایه‌داری هستند و اقتصاد نولیبرال را در دانشگاه‌های آنها آموخته‌اند.

سرمایه‌های سرمایه‌داری غربی برای سرمایه‌داری در حال توسعه باز هم به دنبال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هستند. بخشی به خاطر نقص اطلاعات آن‌هاست و بخشی به دلیل تبلیغات و فشارهای موسسات مالی بر تن وودز. دلیل دیگر این است که کارشناسان کشورهای در حال توسعه، تحصیل کرده همین کشورهای سرمایه‌داری هستند و اقتصاد نولیبرال را در دانشگاه‌های آنها آموخته‌اند.

سرمایه‌های سرمایه‌داری غربی برای سرمایه‌داری در حال توسعه باز هم به دنبال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هستند. بخشی به خاطر نقص اطلاعات آن‌هاست و بخشی به دلیل تبلیغات و فشارهای موسسات مالی بر تن وودز. دلیل دیگر این است که کارشناسان کشورهای در حال توسعه، تحصیل کرده همین کشورهای سرمایه‌داری هستند و اقتصاد نولیبرال را در دانشگاه‌های آنها آموخته‌اند.

سرمایه‌های سرمایه‌داری غربی برای سرمایه‌داری در حال توسعه باز هم به دنبال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هستند. بخشی به خاطر نقص اطلاعات آن‌هاست و بخشی به دلیل تبلیغات و فشارهای موسسات مالی بر تن وودز. دلیل دیگر این است که کارشناسان کشورهای در حال توسعه، تحصیل کرده همین کشورهای سرمایه‌داری هستند و اقتصاد نولیبرال را در دانشگاه‌های آنها آموخته‌اند.

سرمایه‌های سرمایه‌داری غربی برای سرمایه‌داری در حال توسعه باز هم به دنبال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هستند. بخشی به خاطر نقص اطلاعات آن‌هاست و بخشی به دلیل تبلیغات و فشارهای موسسات مالی بر تن وودز. دلیل دیگر این است که کارشناسان کشورهای در حال توسعه، تحصیل کرده همین کشورهای سرمایه‌داری هستند و اقتصاد نولیبرال را در دانشگاه‌های آنها آموخته‌اند.

سرمایه‌های سرمایه‌داری غربی برای سرمایه‌داری در حال توسعه باز هم به دنبال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هستند. بخشی به خاطر نقص اطلاعات آن‌هاست و بخشی به دلیل تبلیغات و فشارهای موسسات مالی بر تن وودز. دلیل دیگر این است که کارشناسان کشورهای در حال توسعه، تحصیل کرده همین کشورهای سرمایه‌داری هستند و اقتصاد نولیبرال را در دانشگاه‌های آنها آموخته‌اند.

سرمایه‌های سرمایه‌داری غربی برای سرمایه‌داری در حال توسعه باز هم به دنبال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هستند. بخشی به خاطر نقص اطلاعات آن‌هاست و بخشی به دلیل تبلیغات و فشارهای موسسات مالی بر تن وودز. دلیل دیگر این است که کارشناسان کشورهای در حال توسعه، تحصیل کرده همین کشورهای سرمایه‌داری هستند و اقتصاد نولیبرال را در دانشگاه‌های آنها آموخته‌اند.